

گزارش

دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس

تاریخ مجلس در ساختمان مشروطه

■ **حمید رضا محمدی:** «دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس» عنوان همایشی بود که عصر چهارشنبه چهارم خرداد در ساختمان مشروطه (ساختمان مجلس شورای ملی) در بهارستان تهران برگزارشد.

این نشست که نوبت اول آن، سی‌ویکم خرداد ۸۹ برگزار شد، به گفته رسول جعفریان رییس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی قرار است هر ساله در همین مکان برگزار شود و به مرور تاریخ مجالس ایران با حضور محققان و پژوهشگران مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بر این اساس محوریت دومین نشست، نگاهی به ساختار و عملکرد مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول و مشخصاً ادوار چهارم تا دوازدهم قرار گرفت.

در ابتدای نشست علی مطهری، رییس مرکز پژوهش‌های اسنادی مجلس و دبیر همایش گزارشی از روند شش ماهه برگزاری نشست ارائه داد و گفت: از ۱۳۵ مقاله رسیده، ۴۰ مقاله شرایط لازم را برای ارائه در همایش کسب کردند که از این میان ۱۱ مقاله در این برنامه ارائه خواهند شد. سپس رسول جعفریان پشت تریبون قرار گرفت و از زحمات مرکز اسناد تشکر ویزه‌ای کرد؛ از آن جهت که توانستند در طول یک سال گذشته حدود یک میلیون سند را به گنجینه مجلس اضافه کنند. البته او در سخنان کوتاهش از تخصص‌اش نیز بهره جست و مطالبی را نیز در خصوص تاریخ مجلس در زمان پهلوی اول گفت و این را هم مطرح کرد که اطلاعات مربوط به دوره پهلوی اول بسیار کم بوده و تحقیقات بیشتری را از سوی محققان می‌طلبد. در اینجا بود که پائل اول همایش به ریاست علی ططری آغاز شد و پنج نفر از محققان و اساتید مقالات خود را ارائه دادند. ابتدا محسن خلیلی از گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مقاله «جلسد شورایی ملّی: راهبروی برای بنیانگذاری سلطنت مطلقه» را ارائه داد. او در این مقاله که به گفته خودش عنوانی گمراه‌کننده نیز دارد، این موضوع را مطرح کرد که اصولاً تغییر قانون اساسی و اضافه کردن ماده واحده انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی هیچ منع قانونی نداشته و آنچه رایج بوده، اساسی پایه‌است. حتی از میان پنج نماینده مخالف (به جز سید حسن مدرس که بدون هیچ نطق‌ی جلسه را ترک گفت)، بقیه در نطق‌شان هیچ اشار‌هی به خلاف قانون بودن ماده واحده نکرده‌اند که اسنادش نیز در کتابخانه مجلس موجود است. حتی دکتر صدوق نیز گفت: «در قانون اساسی باید تجدیدنظر شود، اما این رضاخان است که نباید پادشاه شود.» سپس علیرضا سیمعی از گروه علوم سیاسی دانشگاه ایسوج حاضر شد و متن خود را که «شکاف‌های اجتماعی، مجلس ضعیف، دولت لوباتیانی» نام داشت، قرائت کرد که چندان هم با موضوع نشست ارتباط نداشت و بیشتر تلفیقی بود از تاریخ و علوم سیاسی. عباس قدیمی از گروه تاریخ دانشگاه تبریز سخنان سوم بود که مقاله‌اش را با عنوان «جلس، فرهنگ، مفاخر فرهنگی» ملی (مطالعه

موردی در فردوسی)» ایراد کرد. او در ارائه و نه در چکیده چندان اشار‌ه‌ی به مجلس نداشته و به نظر می‌رسد اشاره به فردوسی تنها به این خاطر بوده که طرح برگزاری هزاره فردوسی و همچنین بازسازی آرامگاه او در سال ۱۳۱۲ به اجازه مجلس صورت گرفته است چرا که در این مقاله هیچ اشار‌ه‌ای به سایر اقدامات مجلس پهلوی اول در زمینه مفاخر ملی ایران نشده بود. «مجلس پنجم و علل ناکامی جریان جمهوری خواهی» عنوان مقاله سینا فروزش از گروه تاریخ واحد علوم و تحقیقات تهران بود که به عنوان محقق بعدی در جایگاه حاضر شد. آخرین پژوهشگر بخش نخست نشست هم، علی‌اکبر جعفری از گروه تاریخ دانشگاه اصفهان بود که اصفاف بهترین رایه و مقاله را در میان سایرین داشت. او که روی «اندیشه و عملکرد علی دشتی در مجالس شورای ملی دوره رضاشاه» به تحقیق پرداخته بود، توانست اطلاعات مختصر اما کلیدی را در اختیار حاضران در نشست قرار دهد. او گفت: دشتی روحانی‌زاده‌ای بوشهری بود و به این واسطه اولان جوانی‌اش در عراق عرب گذشت‌ه است اما دشتی دو ویژگی متمّذ در طول عرش داشت: در دوره‌ای به شکل افراطی ملی‌گرا بود و مخالف بیگانگان و در دوره‌ای نیز به شدت طرفدار انگلیسی‌ها. مهم‌ترین ویژگی دشتی که او را محور این پژوهش قرار داده بود، این بود که او پرسابقه‌ترین نماینده مجلس عصر رضاشاه بوده و تنها در این دوره ۱۰ و ۱۱ نماینده مجلس آن هم به علت تظاهر بودن، توانسته بودند در بهارستان حاضر شوند. نیمه دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس که فرا رسید از علی ارجانی، رییس مجلس شورای اسلامی دعوت به عمل آمد تا قافاتی برای حصار سخنرانی کند. «اسناد بانوان در دوره مشروطیت» تالیف علی ططری و فاطمه ترکچی، نخستین شماره «اسناد بهارستان» و «جلس دیروز و امروز» تالیف جمعی از نویسندگان، دو کتاب و یک مجله‌ای بود که در بخش بعدی مراسم توسط رییس مجلس و رییس کتابخانه مجلس رونمایی شد. رحیم نیکبخت که ریاست پائل دوم همایش را بر عهده داشت از چهار نفر از پژوهشگران خواست تا به جایگاه آمده و مقاله خود را ارائه بدهد تا توجه به اینکه دو نفر دیگر از اساتید موفق به حضور در نشست نشده بودند. غلامرضا عزیزی از سازمان اسناد ملی ایران، اولین سخنران این بخش بود که اساس پژوهش خود را «مجلس و روابط ایران و آلمان» قرار داد و با اینکه در ابتدا این روابط را تا پایان پهلوی دوم تقسیم‌بندی کرد اما تواناست به خوبی آن را به موضوع همایش محدود گرداند و اطلاعات قابل توجهی در ارائه کند. یکی از مهم‌ترین سخنرانان نشست، اربی مانوکیان از جامعه ارمنه بود که «بررسی اسناد انتخابات ارمنیان در دوره پهلوی اول» را محور بیاناتش قرار داد که در نوع خود بدیع و جالب توجه بود. گفتنی است آخرین قسمت دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس، برنامه‌تجلیل از حسن رهاورد بود.



تاریخ

۱۵ خرداد ۴۲ به مثابه سرآغاز

هژمونی اسلام سیاسی

در اسناد رژیم تنها نام ۱۲۳ تن از کشته‌ها و زخمی‌های قیام پانزده خرداد فاش شد

گزارش مامور ویژه ساواک از سخنرانی امام خمینی(ره) در عاشورای سال ۴۲

چند نفر از اشخاص فهمیده که قم بوده و مراجعت کرده‌اند، اظهار داشتند: روز عاشورا عصر، خمینی به مدرسه فیضیه قم آمد. جمعیت تمام صحن مدرسه فیضیه، صحن بزرگ حضرت، میدان جلوی صحن و صحن مسجداعظم را گرفته بود. تمام پشت بام‌ها پر از جمعیت بود که غالباً از شهرستان‌ها آمده بودند. تعداد جمعیت را حدود ۲۰۰ هزار نفر می‌گفتند و اظهار می‌داشتند: در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. ۱۲ بلندگو در مسجد اعظم، مدرسه فیضیه و صحن بزرگ جلوی میدان نصب کرده بودند و برای اینکه دولت برق را خاموش کرده بود، یک موتور آورده بودند و با استفاده از برق آن بلندگوها کار می‌کرد. خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آنچنان صلوات می‌فرستادند که تا دو کیلومتر صدای آن می‌رفت. خمینی متبر رفت و بلافاصله گفت: بسم‌الله‌رحمن الرحیم و شروع کرد به صحبت و بدگویی شدید و اظهار داشت به ما می‌گویند مفت خور. ما و یک مشت طلبه فقیر مفت خور هستیم یا آنها که مملکت را غارت کرده و پول‌ها را در بانک‌های خارج گذارده‌اند؟ شاه کاری نکن که مثل پدرت که قشون اجنبی از هر طرف به مملکت آمده و او را بیرون کردند همه مردم خوشحال شدند من نمی‌خواهم تو از بین بروی ولی عقل پیدا کن. این کارها چیست که می‌کنی. هر کار می‌شود هر جنایتی می‌شود، می‌گویند شاه کرده و بعد مرتب تکرار می‌کرد بدبخت بیچاره بدبخت بیچاره کاری نکن که بدهم تو را بیرون کنند و مرتب به شاه نصیحت می‌کرد و می‌گفت بیچاره چرا این کارها را می‌کنی سرعقل بیا و مرتب کلمه بیچاره بیچاره را با لحن دلسوزی تکرار می‌کرد. یک ساعت صحبت کرد و از منبر پایین آمده است. از نطق او هم نوار تهیه کرده‌اند و به تهران آورده‌اند.

یافته، در عصر مشروطه با پیدایش مشروطه‌خواهان جدی‌تر شده تا اینکه به دوران سلطنت پهلوی‌ها می‌رسد. بارزترین شکاف در ایام پیش از استقرار سلطنت پهلوی ایام ظهور نظریه‌های جدید در حوزه علوم انسانی است. نظریه‌هایی که پسوند مدرن را با خود داشتند. در فضای بی‌قرار قرن نوزدهم نظریه‌های گوناگونی برای ساماندن‌ی جامعه ایرانی مطرح شد که بیشتر در دو فضای فکری قرار می‌گرفتند: دسته اول نظریه‌هایی که سنت مذهبی ایرانی را به طور کامل طرد می‌کردند و پذیرش نهاده‌ا و باورهای غربی را مد نظر داشتند و دسته دوم نظریه‌هایی که اصلاحات را از راه بازیابی و بازتفسیر سنت‌های مذهبی و فرهنگی دنبال می‌کردند. به نظر می‌رسد گفتمان اسلام سیاسی در ایران در سال‌های اوج‌گیری مدرنیته در جهان در این نظریه‌ه دوم ریشه‌هایش را حفظ کرده و خود را کشان‌کشان تا روزگار پهلوی‌ها آورده باشد و اکنون روزگار سلطنت پهلوی دوم، سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب و اختناق و آغاز دهه ۴۰ که گرچه شاه ایران

تصور می‌کرد پرغرورترین سال‌های سلطنتش را خواهد گذراند اما سخت در اشتباه بود زیرا زویرا گفتمان‌های حاشیه‌ای می‌فگفتند تا از لاک سکوت و انزوا سر برآورند.

آغاز دهه ۴۰ خورشیدی است، دولت اسدالله علم لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را گذرانده اما با مخالفت سرسختانه نیروهای اجتماعی به‌خصوص علما و روحانیون

نگرانی ساواک از شکاف بین روحانیون و دولت

گیرنده: اداره کل سوم تاریخ:۴۲/۴/۱۵
فرستنده: ساواک آذربایجان شماره: ۵۴۹۲
تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور شماره پیرو: ۱۲۴۸۷/۳۳۲۲/۴۲/۴/۱۵
به طوری که خاطر عالی مستحضر است شهرستان تبریز و شهرهای تابعه استان آذربایجان شرقی در روزهای بحرانی ماه محرم فوق‌العاده آرام بوده و الصاق اعلامیه روحانیون به ویژه اکثرا با امضای آیت‌الله خمینی و شریعتمداری در آن ایام بسیار زیاد بوده، ولی حالیه مشاهده نمی‌شود لیکن کتمان نباید نمود که نگرانی عمومی از اوضاع فعلی (مانند سایر شهرستان‌ها و استان‌های کشور تا هنگامی که شکاف حاصله بین روحانیون و دولت باقی است) در ناصیه اکثر مردم مشاهده می‌شود. از طرف رییس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی، پرویز



۱۵ خرداد ۴۲ به مثابه سرآغاز

هژمونی اسلام سیاسی

می‌شود. در یک کلام به نظر می‌رسد هدف از اصلاحات رژیم شاه مشروطیت یابی برای خود، خلع سلاح روشنفکران و مخالفان داخلی و نیز اخذ پشتیبانی آمریکا بوده است. در چنین فضایی و درست در حالی که شاه تصور می‌کند دیگر صدایی از مخالفان برنخواهد خواست، صدای اعتراض‌ها از قم و چند مرکز مذهبی دیگر بلند می‌شود. در این زمان گفت‌وگوهای بین نماینده شاه و علمای قم صورت می‌گیرد که به نتیجه نمی‌رسد و این در حالی است که شاه در دیدار این اصول بستگی دارد پس بی‌اعتنا به اعتراض‌ها، اصول انقلاب سفید به رفراندوم گذاشته می‌شود – هر چند در رژیم دیکتاتوری شاه رفراندوم بیشتر به نمایش می‌ماند – و بر اساس اعلام رسمی با درصد آرا به تصویب می‌رسد. در اینجاست که امر سیاسی، بی‌قراری، غیریت‌سازی و قدرت همه در کار می‌شوند تا صدای گفتمان اسلام سیاسی این بار بلندتر از قبل شنیده شود.

اولین هشدارها و تهدیدها و اندازها نسبت به سست شدن اساس سلطنت شاه در نوروز ۴۲ برای دیدار با علما به قم رفته است اما به فتوای امام خمینی کسی به استقبال او نمی‌شتابد و همین استقبال سرد سبب می‌شود که شاه اصطلاح «ترجاع سیاه» را در کنار ترکیب «قوای مخرب سرخ» بنشاند. حالا دیگر مذهبی‌ها هم به اندازه نیروهای چپ در نزد شاه ایران مغفور شده‌اند: «ترجاع سیاه اصلا نمی‌فهمد زیرا از هزار سال پیش با بیشتر اصلا فکرش تکان نخورده» شاه در مقایسه علما با کمونیست‌ها نیز می‌گوید: «اتفاق کینام نسبت به آنها – کمونیست‌ها – کمتر است. من اینها- مذهبی‌ها – را بدتر از توده‌ای‌های خائن می‌دانم».

مشابه این سخنان محمدرضا را حتی هیچ‌کس از پدرش نیز نشنیده است، پس حالا دیگر رادیکالیسم نیروهای مذهبی شکل گرفته است و زمینه‌های آشتی بین روحانیت و دربار از بیخ و بن فنا شده است. اگر زوری رضاخان پهلوی پیشاپیش دسته‌های عزاداری گریه‌کنان کاه بر سر می‌ریخت تا به عوام این گونه بفهمند که چه‌های مذهبی است و علقه‌های دینی دارد، این بار پسرش تمام رشتنه‌ها را پنیه کرده است و شمشیرش را برای یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی ایران که در سال‌های بعد از انقلاب مهم‌ترین نهاد سیاسی ایران نیز شد، از رو بسته است، آن هم بدون غلاف و غلاف شکسته شمشیر شاه در مرکز میدان روحانیت قرار گرفته است. امام خمینی (ره) در ۱۳ خرداد ۴۲ به مناسبت عاشورا در مدرسه فیضیه سخنرانی می‌کند و برای نخستین بار شاه را با لحنی امرانه خطاب می‌کند: «اینها با اساس اسلام و قرآن مخالفند و نمی‌خواهند در این مملکت قرآن و علما موجود باشند.» امام به شاه توصیه می‌کند به علما توهین نکند و گرنه با تکفیر روبه‌رو خواهد شد و مردم او را زنده نخواهند گذاشت. این سخنرانی به دستگیری امام منجر می‌شود و روز روز بعد کماندوهای رژیم پهلوی، معترضان به بازداشت وی را به خاک و خون می‌کشند.

حالا دیگر قیام ۱۵ خرداد اتفاق افتاده است و این یعنی ایجاد یک تکرار مرکزی بر این هویت‌سازی و معنایابی اسلام سیاسی در ایران. گرچه پس از خرداد ۴۲ فضای سرکوب و اختناق رژیم شاه مرزهای زیادی را در نوردید اما به همان نسبت این فضای مبارزات علیه رژیم بود که مدام رادیکالیزه می‌شد. تا آنجا که در نیمه دهه ۴۰ هسته تشکیلاتی چریکی با عناوین سازمان مجاهدین خلق و گروه مسلح جزنی – طریقی تشکیل شدند که بعدها یکی از گروه‌های تشکیل دهنده سازمان چریک‌های فدایی خلق بودند. به هر ترتیب گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در ایران گرچه در سال‌های آغازین سده چهاردهم خورشیدی، گفتمانی در سایه بوده اما در سال‌های میانی این سده به یکی از گفتمان‌های آلترناتیو بر گفتمان هژمونیک موجود یعنی گفتمان سلطنت پهلوی مطرح و مدام مطرح‌تر شد تا اینکه در انقلاب اسلامی سال ۵۷ توانست به سازوکار قدرت دست یابد. آنچه مسلم است اینکه گفتمان اسلام سیاسی نیز همه شاخه‌های یک گفتمان را بر اساس نظریه گفتمان‌ها داشته است.

منابع اصلی:
اسلام سیاسی در ایران، دکتر حسینی‌زاد ایران بین دو انقلاب، پروند ابراهامیان

نگاه تاریخی

مدل‌های قدرت سیاسی و مدیریت زنان در قرون میانه در کشورهای اسلامی –۲

خدمات اقتصادی و اجتماعی ملکه

فائزه توکلی

■ در ارتباط با توسعه‌طلبی‌های سلطان محمود غزنوی که قصد حمله به ری داشت به ملکه پیغام می‌فرستد چنانکه «باید خطبه و سکه به نام من کنی و خراج فرستی و الا جنگ را آماده باشی.» (تاریخ گزیده، ص۴۲۱)

ملکه که همواره تهدید سلطان محمود غزنوی را از دوران حاکمیت همسرش فخرالدوله احساس می‌کرد، در جواب رسول سلطان نوشت: «سلطان محمود مردی غازی و صاحب دولت است و اکثر ایران و زمین هند او را مسلم است اما تا شوهرم فخرالدوله در حیات بود مدت ۱۲ سال از تاخت سلطان اندیشه‌ناک بودم اکنون که شوهرم به رحمت حق واصل شده آن اندیشه از خاطرم محو است چرا که سلطان پادشاهی بزرگ و صاحب ناموس است و لشکر به پیرزنی نخواهد کشید و اگر لشکر کشد و جنگ کند، مقرر است که من نیز جنگ خواهم کرد و اگر ظفر مرا باشد تا دامن قیامت را شکوه است و اگر ظفر او را باشد مردم گویند پیرزنی را شکست و فتح‌نامه‌ها در ملک چگونّه نویسد.» (تذکره الشعرا، ص ۳۶)

«سلطان محمود از جوابی که ملکه خاتون نثارش کرد، به فراست، درایت و عقل وی اندرِها گرفت.» (دایره المعارف شیعه، ج ۲، ص ۵۰۱)
سلطان تا زمانی که ملکه خاتون زنده بود، متعرض آل بویه نشد.

خدمات اقتصادی و اجتماعی

سیده ملکه خاتون

سیده ملکه خاتون اقتصاد منطقه ری و جبال را ساماندهی کرد و سرزمین‌های بسیاری را آباد کرد و با پشتوانه مالی که داشت حمایت سپاهیان را جلب می‌کرد. هفته‌ای پنج روز در شهر ری بار عام می‌داد و با وزرا و کارگزارانش بی‌واسطه سخن می‌گفت. در دوران ملکه خاتون دربار محل تجمع دانشمندان، ادبا و فلاسفه بود. ابوعلی سینا مقارن حاکمیت ملکه در دربار وی به سر می‌برد. (روضة الصفا، ج ۷، ص۳۹۷)

سیده خاتون در سال (۴۱۹ ه‍.ق) در ری درگذشت. دوران حاکمیت سیده ملکه خاتون برگرفته از دیدگاه دو بعدی قدرت یعنی نفوذ، اقتدار و قدرت نامریی بود.

ترکان خاتون

در قرن پنجم، ترکان خاتون (سال ۴۵۶ ه‍.ق) به ازدواج ملکشاه سلجوقی درآمد. او زنی قدرتمند بود. چنانکه در زندگی سیاسی همسرش نظام‌الملک، وزیر ملکشاه و حتی در انتخاب جانشینی ملکشاه نقش موثری ایفا نمود. مخالفت نظام‌الملک با جانشینی پسر ترکان خاتون، محمود و اقامات ترکان خاتون در جهت نفوذ شیعیان به دربار ملکشاه زمینه تضاد میان نظام‌الملک و ترکان خاتون را ایجاد کرد. قدرت روزافزون ترکان خاتون و تسلطش بر ملکشاه زمینه رقابت این دو را ایجاد کرد که در نهایت با توطئه ترکان خاتون، خواجه نظام‌الملک در سفر جنگی نهلوند به دست فداییان اسماعیلی به قتل رسید. (راوندی، ص۱۱۳)

با در گذشت ملکشاه، تاج‌الملک ابوالغنائیم، نایب ترکان خاتون به منصب وزارت رسید و توانست نظر خلیفه را در مورد جانشینی محمود چهارساله جلب نمایند. خلیفه المقتدی برای حفظ خلافتش ناگزیر به این کار گردید. زیرا خلیفه با م‌مملک خاتون، دختر ملکشاه از ترکان خاتون ازدواج کرده بود و حاصل آن فرزندی به نام جعفر بود (ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۰۹) که بعدها زمینه مشروطیت و در نهایت تأسیس وابسته به خلیفه شد. سلطت تاج‌الملک و ترکان خاتون بر خزانه مرکزی از دیگر اهرم‌های اقتدار آنان بود. ترکان خاتون در سال ۴۸۷ ه‍.ق درگذشت. مدل قدرت ترکان خاتون نیز منبعث از شکل یک‌بعدی، دویبعدی و سه‌بعدی قدرت است، زیرا هم از ستیز باقعل در کنار زدن خواجه نظام‌الملک استفاده کرد و هم از اقتدار و نفوذ روی خلیفه به واسطه وابستگی خودادکی بهره برد و از طرفی از تضاد منافع کسانی که اعمال قدرت می‌کردند، کلاما استفاده کرد.

حاکمیت رضیه خاتون

در قرن هفتم حاکمیت رضیه خاتون در دولت مسلمان ترک در دهلی طی سال‌های (۶۳۸- ۶۳۴ ه‍.ق) بود. رضیه خاتون که تحت تأثیر تعلیمات پدرش (ایلتمش بود) پیش از مرگش با وجود پسران دیگری (رکن‌الدین و مغزالدین) که به سن بلوغ رسیده بودند، طی منشوری دخترش را به جانشینی انتخاب کرد و علت عدم انتخاب پسرانش را می‌خوانی و عدم توانایی اداره مملکت عنوان کرد. (چوچوک، ص ۱۱۲) رضیه خاتون با جسرستار در عین جنگجویی بسیار خوش خوی و دوستدار علما و دانشمندان بود، اما تضادهای خاندان‌های رقیب بر سر جانشینی رکن‌الدین به جای رضیه خاتون به آنجا کشید که وی با حمایت امرای لشکر به حاکمیت رسید و با قهر و غلبه رکن الدین را که علیه وی برخاسته بود، محبوس کرد. رضیه خاتون با ضرب سکه‌های به نام خود قدرت خود را تحکیم بخشید و با تمام شورش‌های داخلی و درگیری فرصت‌طلبان که در دربار مواجه گردید، توانست اقتدار و انتظام یابد و زنی که سلطنتش را از راه عهد به دست آورده بود، توانست به مدت چهار سال ممالک وسیعی را اداره نماید.